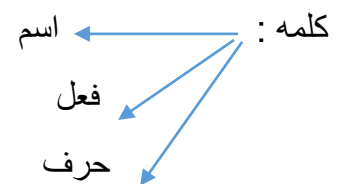


انواع کلمه

در هر زبانی، از جمله عربی سه نوع کلمه وجود دارد که به کمک آن جمله ها بیان میشود. این کلمه ها عبارت اند از: 1: اسم، 2: فعل، 3: حرف



1) اسم برای نامیدن اشیاء، انسانها، و حیوانات به کار میرود که مهمترین نشانه های اسم: ال، تنوین (َ ِ ُ) که نشانه مؤنث بودن است. مثال: الكتاب، طالبة، كتابٌ همگی اسم هستند.

2) فعل: فعل کلمه ایست که انجام کار + دخالت زمان در 3 زمان: گذشته، حال، آینده را نشان میدهد. مثل: ذهب: رفت يَذْهَبُ: میرود

3) حرف کلمه ایست که به تنهایی معنایی ندارد و در جمله کنار اسم و فعل معنی پیدا میکند: مثل: مِنْ: از فِي: در بِ: به عَلِيٌّ: علی پر روی إِلَى: به به سَوِي: لِ: برای عَنِ: از

حرکات در عربی به 4 دسته فتحه (َ) ضمه (ُ) کسره (ِ) و ساکن (ْ) تقسیم میشوند

و تنوین (گاهی حرکات بالا به همراه نون ساکنی تلفظ میشوند که به آن تنوین میگویند). تنوین نون ساکنی است که نوشته نمیشود ولی خوانده میشود. مثل (ِ ُ)

کتاباً کتابٌ کتابِ

مؤلف: فرناز روستائی

اسم از نظر جنس: مذكر (جنس آقا، مرد ، نر ، که بی نشانه است: مثل: کتاب ، قلم)

مؤنث (جنس ماده ، زن که با نشانه ة می آید: مثل : طالبة ، فاكهة)

*** در بعضی مواقع اسامی هستند که ة ندارند ولی مؤنث میباشند: مثل اسامی خانم ها : مریم ، زینب و ...

اسم از نظر تعداد:

در عربی اسم از نظر تعداد را به سه دسته — مفرد (یک نفر یا یک چیز) تقسیم میشود

مثنی (دو نفر یا دو چیز)

جمع (بیش از 2 نفر یا دو چیز)

اسم مفرد: در عربی نشانه ای ندارد : مثل: طالب: یک دانش آموز پسر / طالبة : یک دانش آموز دختر

اسم مثنی : که بر دو چیز یا دو شخص دلالت دارد نشانه هایی دارد :

نشانه های مثنی : مذكر = (ان - ین) مثل : رجل ← (رجلان - رجلین)

مؤنث = (تان - تین) مثل : طالبة ← (طالبان - طالبین)

اسم جمع : اسمی که بر بیش از دو وبالاطر دلالت دارد که دو نوع اسم جمع داریم:

جمع سالم (جمعی که نشانه دارد)

جمع مکسر (جمعی که بی نشانه است و در گوشمان و به صورت سماعی جمع میباشد)

مؤلف : فرناز روستائی

نشانه های جمع سالم : ← مذكر (وَنَّ - يَنَّ) مثل : رَجُلُونَ - رَجُلِيْنَ = چند مرد

← مؤنث (ات) مثل : طالبات - مؤنثات = چند دانش آموز دختر و...

جمع مکسر (شکسته شده) : برخی از اسم های مذكر و مؤنث به شیوه ای جمع بسته میشوند که در آن شکل مفرد آن تغییر میکند و اصطلاحاً شکسته میشوند که این جمع قاعده خاصی ندارد و باید آن را حفظ کرد .

مثال : حدیقه ← مسجد ← مساجد ← صف ← صفوف

اسم های اشاره : اسم های اشاره برای اشاره کردن به یک یا دو یا چند چیز یا شخص گفته میشود

مثل این کتاب آن گل آن دو دانش آموز این چند قلم

در عربی اسم های اشاره

← نزدیک (با ه دو چشم شروع میشود) هذا - هذِه - هؤلاء و....

← دور (آخرش با ک می آید) ذلک - تلک - اولئک

نزدیک ← مفرد ← مذكر (هذا = این) مثال: هذا قلم این قلم

← مؤنث (هذِه = این) هذِه طالِبَة این دانش آموز دختر

مثنی ← مذكر (هذان - هذین) هذانِ قلمانِ : این دو قلم - هذینِ قلمینِ : این دو قلم

← مؤنث (هاتان - هاتین) هاتانِ طالباتِ / هاتینِ طالباتینِ : این دو دانش آموز دختر

جمع (هؤلاء) هؤلاء قلمونَ / هؤلاء طالبات (برای مذكر و مؤنث یک نوع اسم اشاره به نزدیک وجود دارد .)

مؤلف: فرناز روستائی

*** أَيْنَ : به معنی کجا است و در جواب آن : فوق(بالا) تحت(زیر) یسار(چپ) یمین (راست) جنب (کنار) هُنَا (آنجا) هُنَاكَ (آنجا) عَلَى (بر، بر روی) فِی (در) خَلْفَ (پشت) أَمَامَ (مقابل) میاید .
أین الكتاب؟ کتاب کجاست ؟ تحت المنضدة (زیر میز است)

*** هَلْ يَأُ به معنای آیا و در جواب آن «نعم» یا «لا» میاید .
هل كتب على واجباتك؟ آیا عل یتکالیفش را نوشت؟ نعم ، هُوَ كَتَبَ: بله او نوشت

*** مَا ، مَاذَا (چه چیزی) و در جواب آن معرفی اشیاء میاید
ما هذا؟ آن چیست ؟ هذا البيت (آن خانه است)

*** مَنْ (چه کسی) و در جواب آن معرفی شخص میاید .
من هُوَ ؟ او کیست؟ هُوَ عَلِيٌّ (او علی است)

*** كَيْفَ : به معنای چگونه است و در جواب آن حالت میاید .
كيفَ حالک ؟ : حالت چطور است؟ أنا بخيرٍ (من خوب هستم)

*** كَمْ : به معنای چند برای سوال از مقدار که در جواب آن مقدار و عدد میاید .
كم كتابٌ هُنَا؟ آنجا چند کتاب است ؟ ستة (6 عدد)
اعداد: واحد(1) إثنان(2) ثلاثة (3) أربعة(4) خمسة(5) ستة(6) سبعة(7)
ثمانية(8) تسعة(9) عشرة(10) أحد عشر(11) اثنا عشر(12)

*** مِنْ أَيْنَ؟ اصطلاح است و به معنای از کجا هستی (اهل کجایی)
مِنْ أَيْنَ أَنْتَ ؟ تو اهل کجایی؟ مِنْ شِيرَاز (اهل شیراز هستم)

مؤلف: فرناز روستائی

ضمایر: ضمیر کلمه ایست که جانشین اسم است و از تکرار اسم جلوگیری میکند.

ضمایر به دو دسته کلی متصل (چسبیده) و منفصل (جدا) تقسیم میشوند.

ما (اول شخص جمع)	من (اول شخص مفرد)	ضمایر منفصل در فارسی بدین گونه هستند:
شما (دوم شخص جمع)	تو (دوم شخص مفرد)	
آنها (سوم شخص جمع)	او (سوم شخص مفرد)	

و ضمایر متصل در فارسی: مَ مان

تَ تان

شَ شان

ضمایر در عربی به دو دسته تقسیم میشوند:

1-منفصل(جدا)

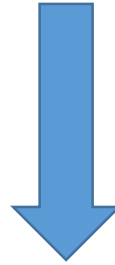
2-متصل(وصل)

منفصل:

أنا (من)	نحنُ (ما)
تو(أنتَ مذکر)/أنتِ(مونث)	شما
او(هُوَ مذکر)/هی(مونث)	آنها
	دو نفر (أنتما(مذکر و مونث))
	چند نفر(أنتم(مذکر) / أنتنَّ(مونث))
	دو نفر(هُما(مذکر و مونث))
	چند نفر(هُم(مذکر)/ هُنَّ(امونث))

مؤلف: فرناز روستائی
/چند نفر(هُم)مذکر (هُنَّ)مونث)

یا به عبارتی دیگر



غایب

ها (او)	} مونث	ه (او)	} مذکر
هما (آندو)		هما (آندو)	
هِنَّ (آنها)		هُم (آنها)	

مخاطب

ک (تو)	} مونث	کَ (تو)	} مذکر
کُما (شما دو نفر)		کُما (شما دو نفر)	
کُنَّ (شما چند نفر)		کُم (شما چند نفر)	

متکلم وحده

ی (من)

متکلم مع الغیر

نا (ما)

مثال برای ضمائر متصل:

کتابها (کتاب او مونث)	کتابه (کتاب او مذکر)
کتابهما (کتاب آندو مونث)	کتابهما (کتاب آندو مذکر)

مؤلف: فرناز روستائی

کتابهُم (کتاب آنها مذکر) کتابُهُنَّ (کتاب آنها مونث)

کتابی (کتاب من)

کتابنا (کتاب ما)

کتابک (کتاب تو مونث)

کتابک (کتاب تو مذکر)

کتابکما (کتاب شما دونفر مذکر)

کتابکم (کتاب شما دونفر مذکر)

کتابکنَّ (کتاب شما چند نفر مونث)

کتابکم (کتاب شما چند نفر مذکر)

فعل:

فعل کلمه ایست برای انجام کار + دخالت زمان

مثل رفت ، دید ، شنید، خورد که در تمامی این افعال کاری انجام شد در یک زمان مشخص که زمان را به سه دسته ی گذشته ، حال، آینده تقسیم میکنیم .

فعل در عربی از یک ریشه سه حرفی و شناسه تشکیل شده است که به ریشه (سه حرف اصلی میگویند) مثال در کلمه یخرج سه حرف اصلی (خ ر ج) ریشه فعل میباشد .

*** برای تشخیص سه حرف اصلی به حروفی توجه میکنیم که بتوان کلمات دیگری از آن حروف ساخت و حروف بارزتر و مشخص تری نسبت بقیه ی حروف هستند .

مثال:

در فعل یخرج (خ ر ج) که سه حرف اصلی است میتوان کلمات هم خانواده مثل خارج، اخراج، مخرج ، خروج، و... با این سه حرف اصلی ساخت .

ضَرَبَ-فَتَحَ-كَتَبَ- نَجَحَ... همگی فعل هستند.

زمان فعل در عربی سه دسته است : ← ماضی (گذشته)

← مضارع (حال)

← مستقبل (آینده)

در پایه هفتم فعل ماضی را کامل بررسی میکنیم.

مؤلف: فرناز روستائی

فعل ماضی:

فعلی است که بر زمان گذشته دلالت دارد که در زبان عربی 14 شخص آن را مورد بررسی قرار میدهیم

ساختار فعل ماضی = ریشه (سه حرف اصلی + شناسه)

مثال: كَتَبَا (کتَب (ریشه) + ا (شناسه)

خَرَجُوا (خَرَج (ریشه) + وا (شناسه)

جَعَلْنَا (جَعَل (ریشه) + نَ (شناسه)

شناخت کامل افعال ماضی در 14 صیغه :

اول شخص مفرد = من (أنا) فعل ماضی برای ضمیر أنا = ریشه + تْ

أنا (ذهب = رفت) أنا ذَهَبْتُ (من رفتم) ذهب + تْ

دوم شخص مفرد = تو (أنتَ (مذكر) فعل ماضی برای ضمیر أنتَ = ریشه + تَ

أنتَ (ذهب) أنتَ ذَهَبْتَ (تو مذكر رفتی) ذهب + تَ

تو (أنتِ (مونث) فعل ماضی برای ضمیر أنتِ = ریشه + تِ

أنتِ (ذهب) أنتِ ذَهَبْتِ (تو مونث رفتی) ذهب + تِ

سوم شخص مفرد = او (هُوَ (مذكر) فعل ماضی برای ضمیر هُوَ = ریشه + -

هُوَ (ذهب) هُوَ ذَهَبَ (او مذكر رفت) ذهب + -

او (هِيَ (مونث) فعل ماضی برای ضمیر هِيَ = ریشه + تْ (ساکن)

هِيَ (ذهب) هِيَ ذَهَبَتْ (او مونث رفت) ذهب + تْ

مؤلف: فرناز روستائی

اول شخص جمع = ما (نَحْنُ) فعل ماضی برای ضمیر نَحْنُ = ریشه + نا

نَحْنُ (ذهب) = نَحْنُ ذَهَبْنَا (ما رفتیم) ذهب + نا

دوم شخص جمع = 1- شما دو نفر (أَنْتُمَا) فعل ماضی برای ضمیر أَنْتُمَا = ریشه + تُمَا

أَنْتُمَا (ذهب) = أَنْتُمَا ذَهَبْتُمَا (شما دو نفر مذکر و مونث رفتید) ذهب + تُمَا

2- شما چند نفر مذکر (أَنْتُمْ) فعل ماضی برای ضمیر أَنْتُمْ = ریشه + تُمْ

أَنْتُمْ (ذهب) = أَنْتُمْ ذَهَبْتُمْ (شما چند نفر مذکر رفتید) ذهب + تُمْ

شما چند نفر مونث (أَنْتُنَّ) فعل ماضی برای ضمیر أَنْتُنَّ = ریشه + تُنَّ

أَنْتُنَّ (ذهب) = أَنْتُنَّ ذَهَبْتُنَّ (شما چند نفر مونث رفتید) ذهب + تُنَّ

سوم شخص جمع = 1- آن دو نفر (هُمَا) فعل ماضی برای ضمیر هُمَا مذکر = ریشه + ا

هُمَا (ذهب) = هُمَا ذَهَبَا (آن دو نفر مذکر رفتند) ذهب + ا

آن دو نفر (هُمَا) فعل ماضی برای ضمیر هُمَا مونث = ریشه + تا

هُمَا (ذهب) = هُمَا ذَهَبَتَا (آن دو نفر مونث رفتند) ذهب + تا

2- آن چند نفر (هُمْ) فعل ماضی برای ضمیر هُمْ = ریشه + و + الف زینتی

هُمْ (ذهب) = هُمْ ذَهَبُوا (آن چند نفر مذکر رفتند) ذهب + وا

مؤلف: فرناز روستائی

آن چند نفر (هُنَّ) مونث (فعل ماضی برای هُنَّ = ریشه + نَ

هُنَّ (ذهب) = هُنَّ ذَهَبْنَ (آن چند نفر مونث رفتند) ذهب + نَ

چند نکته :

*** تمامی ضمیر هایی که با ه دو چشم شروع میشوند **غایب** هستند پس **فعل آنها نیز غایب** است

*** تمامی ضمیرهایی که با آن شروع میشوند مخاطب هستند پس **فعل آنها نیز مخاطب** است .

*** **منفی کردن فعل ماضی**

افعال ماضی به وسیله **ما** منفی میشود یا به عبارت دیگر **منفی کردن فعل ماضی = ما + فعل ماضی**

ما + كَتَبَ = فعل ماضی منفی كَتَبَ (نوشت) ما كَتَبَ = نوشت

ماخَرَجَ = خارج نشد / ما ذَهَبَ = نرفت

*** اگر در جمله ای کلمات **یا / ایها / ایتها** دیدید حتما حتما به دنبال فعل و ضمیر مخاطب

با شید

مثال : یا مریم (أنتِ) ضمیر با آن شروع شده پس مخاطب است .

أیها الطفل (أنتَ)

یا ایها المومنون (أنتم)

که همگی ضمیرشان با آن شروع شده و مخاطب هستند .

در صفحه بعدی تمامی صیغه های فعل ماضی را در جدولی به صورت کلی میاوریم . :

معنی فارسی	فعل ماضی	ضمیر عربی	ضمیر فارسی	شخص
من نوشتم	کَتَبْتُ	أنا	من	اول شخص مفرد
تو (مذکر نوشتی)	کَتَبْتَ	أنتَ	تو	دوم شخص مفرد (مذکر)
تو (مونث نوشتی)	کَتَبْتِ	أنتِ	تو	دوم شخص مفرد (مونث)
او (مذکر نوشت)	کَتَبَ	هو	او	سوم شخص مفرد (مذکر)
او (مونث نوشت)	کَتَبَتْ	هی	او	سوم شخص مفرد (مونث)
ما نوشتیم	کَتَبْنَا	نحن	ما	اول شخص جمع
شما دو نفر (مذکر و مونث)	کَتَبْتُمَا	أنتمَا	شما (دو نفر)	دوم شخص جمع (مذکر و مونث)
شما چند مذکر نوشتید	کَتَبْتُمْ	أنتم	شما (چند نفر)	دوم شخص جمع (مذکر)
شما چند مونث نوشتید	کَتَبْتُنَّ	أنتنَّ	شما (چند نفر)	دوم شخص جمع (مونث)
آندو (مذکر) نوشتند	کَتَبَا	هُمَا	آندو (مذکر)	سوم شخص جمع (مذکر)
آندو (مونث) نوشتند	کَتَبَتَا	هُمَا	آندو (مونث)	سوم شخص جمع (مونث)
آنها (مذکر) نوشتند	کَتَبُوا	هُم	آنها (مذکر)	سوم شخص جمع (مذکر)
آنها (مونث) نوشتند	کَتَبْنَ	هُنَّ	آنها (مونث)	سوم شخص جمع (مونث)

مؤلف : فرناز روستائی

روزهای هفته (أيامُ الأسبوع)

در عربی نیز روزهای هفته از شنبه آغاز میشود:

السَّبْت، الأحد، الإثنين، الثلاثاء، الأربعاء، الخميس، الجمعة
شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه

فصلها (الفصول)

الرَّبِيع (بهار) الصَّيْف (تابستان) الخَرِيف (پاییز) زمستان (الشَّتَاء)

رنگها (ألوان)

مانند أسود (سیاه)، أحمر (قرمز)، أخضر (سبز)، أزرق (آبی)، أبيض (سفید)،
أصفر (زرد)

و مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ